

فیلم

دبیر جشنواره فیلم فجر:

با لباس رسمی بیاید

دبیر سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر اعلام کرد اگر نظر رئیس سازمان سینمایی بر این باشد که گزارش‌های مالی جشنواره منتشر شود، دبیرخانه آمادگی انجام این مساله را دارد.

به گزارش مهر، نشست خبری سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر با حضور محمد حیدری دبیر ۲ دوره اخیر این رویداد سینمایی آغاز شد. محمد حیدری در ابتدای نشست گفت:

با یاد و خاطره جانفشانان آتش‌نشان در حادثه پلاسکو مراسم را آغاز می‌کنیم و امیدوارم با یاد آنها به استقبال جشنواره برویم و سال خوبی را برای سینمای ایران رقم بزنیم. وی افزود: سینمای ایران در مرحله پوستاندازی قرار گرفته و فیلم‌اولی‌ها در کنار بزرگان سینما حضور دارند که اتفاق مثبتی است.

حیدری در ادامه گفت: بهروز غریب‌پور، مدیر سینمای رسانه‌های گروهی (برج میلاد) و مجید مظفری (مدیر کاخ مردمی- پردیس ملت) هستند و من از این دو هنرمند تشکر می‌کنم که این مسؤولیت را پذیرفتند. به گفته وی، مهتاب کرامتی امسال هم در جشنواره حضور دارد و همانند سال گذشته مشاور هنری دبیر است. دبیر جشنواره فیلم فجر درباره انصراف فیلم «مهرآطور جنم» به

کارگردانی پرویز شیخ طادی توضیح داد: این فیلم برای بخش چشم‌انداز سینمای ایران انتخاب شد اما تهیه‌کننده فیلم حضور در جشن‌انداز را نپذیرفت. هیات انتخاب این فیلم را برای بخش سودای سیمرح انتخاب نکرد و من به عنوان دبیر جشنواره به دلیل اهمیت موضوع فیلم خواستم در بخش چشم‌انداز دیده شود تا توسط مردم و رسانه‌ها دوری شود اما تهیه‌کننده قبول نکرد. در حالی که اگر من جای صاحبان فیلم بودم اجازه می‌دادم این فیلم در جشنواره

دیده شود. وی درباره بیانیه انجمن منتقدان و مسئولی که پس از اعلام اسامی داوران این دوره جشنواره رخ داد نیز گفت: با شورای مرکزی انجمن منتقدان جلساتی داشتیم و آنها ۵ نفر را معرفی کردند تا یکی از آنها در داورى حضور داشته باشند. ما در بخش سودای سیمرح هم از آقای اکبر نبوی دعوت کردیم و به نظر به همه عزیزان احترام گذاشتیم. باید توجه داشته باشیم که جشنواره سیاست‌های خودش را دارد و در انتخاب داوران تنها دبیر جشنواره تصمیم

نمی‌گیرد. حیدری ادامه داد: از روز ۱۰ بهمن فیلم‌ها در برج میلاد و پردیس ملت نمایش داده خواهد شد و جشنواره در سینماهای دیگر از ۱۱ بهمن‌ها شروع خواهد شد. وی در بخش دیگر عنوان کرد: در همه آیین‌هایی که در دنیا برگزار می‌شود همه با لباس رسمی حضور پیدا می‌کنند. این مساله اگر در این جشنواره جا افتد می‌توان به همکاری شورای مد و لباس وزارت ارشاد نیز فکر کرد. من از همه دوستان می‌خواهم در مراسم‌های جشنواره فیلم فجر با لباس رسمی ورود پیدا کنند.

شعر

دبیر جشنواره شعر فجر:

هیچ اعمال نفوذی را نمی‌پذیریم

دبیر علمی جشنواره شعر فجر می‌گوید تسلیم هیچ فشاری برای انتخاب شدن یا نشدن کتابی در جریان داورى این جشنواره نخواهد شد و در صورت چنین مساله‌ای از سمتش کناره‌گیری می‌کند. به گزارش مهر، محمدکاظم کاظمی، دبیر علمی یازدهمین دوره جشنواره شعر فجر گفت: همه داوران در هیات علمی انتخاب و تایید شده‌اند. روال هم این بود که اعضای کمیته علمی افرادی را پیشنهاد کردند و در نهایت پس از بررسی پیشنهادها به فهرستی رسیدیم که از نظر تعداد بسیار بیشتر از میزانی بود که ما احتیاج داشتیم. کاظمی افزود: برای ما یکی وقوف علمی و احاطه به موضوع موردنظر برای داورى و دیگری امانتداری و انصاف ملاک اصلی انتخاب داورى بود که امیدوارم محقق شده باشد. وی همچنین گفت: من باین تصور

سمت دبیری جشنواره را نپذیرفتم که هیچ چیز نتواند به نظر داوران و مجموعه ما تاثیر بگذارد و سفارشی برای اضافه یا کم شدن کتابی به جمع ما نشود. آقای صالحی، معاون فرهنگی وزیر ارشاد و آقای قزلی مدیرعامل بنیاد شعر و ادبیات داستانی هم در این زمینه به من اطمینان داده‌اند اما به هر حال من اطمینان دارم که از سوی دست‌اندرکاران و مسؤولان جشنواره هیچ دخالتی صورت نخواهد گرفت

و اگر از جایی دیگر هم بخواهد اعمال نفوذ یا فشاری مستقیم یا غیرمستقیم انجام شود، برای ما قابل قبول نخواهد بود و من به هیچ وجه چنین چیزی را نخواهم پذیرفت. کما اینکه در دوره‌های قبل هم تا جایی که من خیر دارم، چنین اعمال نفوذهایی وجود نداشته است.

گروه فرهنگ و هنر: بحث نقد، منتقدان و

ژورنالیسم سینمایی در ایران همواره با چالش‌های فراوانی روبرو بوده است، چالشی که هر ساله در حال شدت گرفتن نیز هست. جنجالی مدام هم بر سر مباحث قدیمی اعم از فرم، محتوا و ماهیت نقد و هم بر سر مباحث به‌روزتر؛ از تصمیمات مدیریتی تا جریان‌های سینمایی و منابع مالی آثار و لابی منتقد و فیلمساز، به گونه‌ای که در تمام این سال‌ها و بویژه در سال‌های اخیر شاهد جبهه‌بندی‌های مختلفی میان منتقدان هستیم. در روزهای باقیمانده تا آغاز سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر و در شرایطی که از فضای نقد فیلم و نشست‌های نقادی به‌شکلی که در گذشته مرسوم بود، خبری نیست، با ۳ تن از منتقدان سینمایی درباره این چالش‌ها به گفت‌وگو نشستیم. «محمدتقی فهیم»، «محسن یزدی» و «امیر ایلی» از منتقدان سینما و اعضای «مجمع نویسندگان و منتقدان سینمای انقلاب» در آستانه جشنواره فیلم فجر، میهمانان میزگرد «وطن امروز» با موضوع بررسی نقد و چالش‌های نقادی در سینما بودند. متن این گفت‌وگو را در زیر می‌خوانید.

فهمیم: نه! کمتر از ۱۰ سال است که به دلیل قطعی شدن جشنواره چنین فضایی ایجاد شده است و موضوع بررسی نقد و چالش‌ها در سینما بودند. متن این گفت‌وگو را در زیر می‌خوانید.

اگر بخواهیم نگاهی به گذشته نقادی در جشنواره و غیر از آن داشته باشیم، به نظر می‌رسد شرایط بدست با گذشته تغییر کرده است. نظر شما چیست؟

فهمیم: فضای نقادی در جشنواره را می‌توان به ۲ بخش تقسیم کرد: یکی بحث انتقادی در خود جشنواره و در جلسات نقد و بررسی فیلم‌ها و دیگری در فضای رسانه‌های خارج از فضای جشنواره. در سال‌های قبل بویژه در دهه ۷۰ وجه هنری فیلم اولویت بیشتری داشت و نقد نیز جدی‌تر بود. از سوی دیگر در این دوره ما دچار تکثر منتقد نشده بودیم و جمعیت منتقدان زیاد نبود و یکسری مجلات معدودی به موضوع سینما می‌پرداختند، به همین جهت نقد بیشتر متمرکز بر جلسات نقد و بررسی خود جشنواره بود و این جلسات به‌صورت حرفه‌ای برگزار می‌شد. همه افرادی که امروز برای خودشان صاحب‌نام هستند در آن برهه دور هم می‌نشستند و نقد جدی سینمای می‌کردند. ایلی: البته به نظر من در آن دوره بیشتر نقد و بررسی فیلم‌ها به شکل دوره‌های مطرح بود و فقط اهالی سینما را درگیر خود می‌کرد تا اینکه فضای رسانه‌های خاصی با تعداد مخاطب بالا پیرامون فجر وجود داشته باشد.

فهمیم: بله! چون در آن دوره شاهد تکثر رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها نبودیم و وجه هنری سینما بیش از امروز مدنظر بود اما هر مقدار که وجه تفریحی و تجاری سینما برجسته شد مخاطب نیز اهمیت پیدا کرد، زیرا دیگر فیلم بدون مخاطب معنایی نداشت. از اینجا به بعد چالشی بین منتقد و فیلمساز نیز به‌وجود آمد. زیرا هنگامی که در جشنواره زیرآب فیلمی می‌خورد، دیگر به فیلمساز پروژه نمی‌دادند.

روی فروش هم تاثیر داشت؟

ایلی: به نظر من دهه ۷۰ و ابتدای دهه هشتاد چون اساسا جو رسانه‌ای امروز در ایام جشنواره برای فیلم‌ها شکل نمی‌گرفت و فضا آنقدر داغ نبود طبعاً نمی‌توان گفت بعدها روی فروش تاثیر داشتند زیرا منتقدان در جمع نخبگان خود حضور داشتند و با جامعه ارتباطی نداشتند اما حتماً نظر منتقدان روی مدیران و تصمیم‌گیران سینما تاثیر گذار بود.

فهمیم: مخاطب اساسا بحث دیگری هست، هنوز هم منتقدان روی مخاطب تاثیر چندانی ندارند و نمی‌توانیم تاثیر نقد در ایران را مثل سینمای آمریکا یا حتی اروپا بدانیم. ایلی: البته الان هم وقتی که ۲ فیلمساز جوان داشته باشیم، کار اول یکی از آنها فروش بالایی داشته باشد و دیگری نظر مثبت منتقدان را جلب کند، در آینده به نفر دوم کارهای بیشتری پیشنهاد داده می‌شود و امکان ادامه فعالیت برای او مهیا است. فهمیم: الان همه چیز در رسانه رخ می‌دهد، وقتی نقد مثبت برای فیلم نوشته شود، بازتاب آن در رسانه به وفور مشاهده می‌شود، فلذا مدیران بدون اینکه فیلم‌ها را دیده باشند به تقاضا توجه می‌کنند. برای همین هم هست که منتقدان به فیلمسازان جوان توصیه می‌کنند فیلم گیشه‌ای نسازند و نخستین فیلم آنها منتقدپسندیداشد.

ایلی: من از آقای فهیم سوالی دارم. در سال‌های اخیر بسیاری از منتقدان و روزنامه‌نگاران فیلم‌های بسیاری را پیش از آغاز جشنواره می‌بینند و آثار مطلوبشان را هم انتخاب می‌کنند. بنابراین ایام جشنواره صرفاً زمان تقابل رسانه‌های گروهی، طیف‌ها و چهره‌هاست چون جو رسانه‌ای بر جواز جشنواره نیز بسیار تاثیرگذار است. به نظر من البته این لزوماً مساله منفی نیست، ولی آیا دهه در ۶۰ و ۷۰ هم این وضعیت و این تقابل جدی وجود داشت؟

جشنواره، لابی، نقد فیلم



فهمیم: نه! کمتر از ۱۰ سال است که به دلیل قطعی شدن جشنواره چنین فضایی ایجاد شده است و موضوع بررسی نقد و چالش‌ها در سینما بودند. متن این گفت‌وگو را در زیر می‌خوانید.

این جو رسانه‌ای سال‌های اخیر و گسترش منتقدان و رسانه‌ها که درباره آن بحث شد تاثیر دیر می‌زاند. منتقدان لابی می‌کنند.

ایلی: به نظر افزایش رسانه‌های اینترنتی، کانال‌های تلگرامی و شبکه‌های اجتماعی، نقد فیلم بویژه در جشنواره را بسیار پراهمیت کرده است به طوری که چند نقد از منتقدان و رسانه‌های ساخته شده بر یک فیلم با بازشر در فضای مجازی می‌تواند در طول صف تماشاگران آن فیلم در جشنواره تاثیر مستقیم بگذارد. سالان یک فیلم‌اولی عمدتاً در روزهای اول خالی از جمعیت است اما هنگامی که در برج میلاد اکران شود و با نگاه مثبت منتقدان همراه باشد در سینماهای مردمی به سانس‌های فوق‌العاده نیز می‌رسد. پارسل «ابد و یک روز» و «بستانده در غبار» از جمله همین فیلم‌ها بودند.

یزدی: من معتقدم اساسا قسمتی از رشد مخاطب سینما در سال‌های اخیر بویژه امسال به این نکته بازمی‌گردد که سینما به‌طور جدی و پرچشم وارد رسانه شده است. بحث‌های مختلف صورت می‌گیرد به خاطر حضور سینما در رسانه است. رسانه باعث شده تا سینما برای مخاطب تبدیل به مساله شود.

اگر چه بسیاری از مدیران دلایل مختلفی را برای رشد سینما در دوره خود بیان می‌کنند اما به نظر من رشد سینما در سال‌های اخیر مدیون رسانه و پرداختن آن به سینماست. سینما در حال حاضر یکی از موضوعات اصلی رسانه‌های ما، اعم از نشریات مکتوب، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است و خود این‌ها در جلب توجه مردم به سینما نقش اساسی دارد.

فهمیم: به نظر من این حرف درستی است که فروش سینما مدیون رسانه‌ها نیز هست. در سینمای جهان نیز فیلم‌ها با حواشی زرد مورد توجه قرار می‌گیرند تا به فروش برسند و به آنها اهمیت داده شود. اگر چه اینجا بحث‌های جدی در نقد سینما به مطرح شده است اما مسؤولان باید فکری در پیشبرد سینما داشته باشند. به نظر من این استقبال دائمی نیست و باید برای سینما برنامه‌ریزی درستی و کارشناسانه‌ای کرد. البته که در این برنامه‌ریزی باید رسانه‌های سینمایی نیز مورد توجه قرار گیرند. بازگردیم به فجر، این شکل قطب‌بندی رسانه‌ای از چه زمانی شروع شد؟

فهمیم: به نظر من زمینه‌های شکل‌گیری این اتفاق از دوم خرداد ۷۶ بود اما اوج آن با فیلم‌های دنمکی شروع شد. فیلم‌های دنمکی توانست بعد از یک دهه مخاطب میلیونی را به سینما بکشاند و در نقطه مقابل نیز چنین فضایی برای یک فیلم دیگر ایجاد شده بود. بنابراین این تقابل به صورت عیان نشان داده شد. بعد از دوم خرداد زمانی که رسانه‌ها و روزنامه‌های هم‌جهت با دولت شکل گرفتند، فضا دوقطبی و چرخ و راست شد و همین قطب‌سازی به سینما نیز کشیده شد. من دقیقاً یادم هست در آن دوران، هنگام تماشای «آژانس شیشه‌ای» در سینما فلسطین ما ۸-۷ نفر بیشتر نبودیم درحالی که در مقابل ۸۰-۷۰ خبرنگار و منتقد اصلاح‌طلب حضور داشتند. نکته جالب این بود که ما فیلم را از هر نظر اصولی تشخیص دادیم اما روشنفکران فیلم را برخلاف جامعه مدنی می‌دانستند و بشدت با آن مخالف بودند. ما همانجا تصمیم گرفتیم انجمنی با دوستان

گفت‌وگوی «وطن امروز» با اعضای «مجمع نویسندگان و منتقدان سینمای انقلاب» پیرامون چالش‌های نقد در سینمای ایران

حساب می‌آیند اساساً قابل قیاس با سال‌های پیش از آن نیست و از ۸۸ نسل جوان جبهه انقلاب به یکباره به صحنه آمدند و تبدیل به یک جریان شدند. ایلی: آقای یزدی از عقبه جریان روشنفکری و از تربیت نیرو توسط آنها با ایجاد پاتوق‌های فرهنگی و گدها صحبت کردند. من اینجا یک نقد و گلایه به آقای فهیم و هم‌نسلان ایشان دارم. جریان مقابل همواره گدها، پاتوق‌ها و جلسات نمایش فیلم‌شان را به‌طور مرتب و مدام دنبال کرده است و نسل‌های‌شان هم پی‌درپی تربیت شده‌اند. اما شما چرا به فکر تربیت نیرو و جایگزینی نسل جدید نبودید؟ نسل ما ۲-۳ نسل با آقای فهیم فاصله دارد و این وسط یک شکافی احساس می‌شود که پر نشده اما روشنفکران بی‌دری نسل خود را بازتولید کردند. آیا شما اصلاً به فکر بازتولید و تربیت نیرو بودید؟

فهمیم: واقعیتش را بخواهم بگویم؛ نه! ما خودمان را در مرحله‌ای نمی‌دیدیم که بخواهیم به تربیت نیرو فکر کنیم و از سوی دیگر درگیر کارهای روتین و روزمره بودیم. به‌طور مثال شخص بنده باید کار خبری می‌کردم و هفته‌ای ۲ صفحه سینمایی درمی‌آوردم و کارهای حاشیه‌ای زیادی داشتم و در کل وظیفه خودمان را تربیت نیرو نمی‌دانستیم اما همواره این انتظار را از بعضی دستگانه‌ها داشتیم و مدام به آنها می‌گفتمیم که ما به اندازه کافی نیروی انقلابی در زمینه نقد نداریم. بسیاری از منتقدان روشنفکر نقد را به عنوان تفریحی در اوقات فراغت و منبعی برای شهرت انتخاب می‌کردند و درآمد خودشان را از منبع دیگری به‌دست می‌آوردند. افرادی مثل ما اما در دهه‌های پایین خبر نگاری بودیم و به‌خاطر موقعیت رسانه‌ای مطرح شدیم. فلذا ایلیان این دو جبهه کار درست نیست. آنها سازوکار مخصوص به خود را در تربیت نیرو دارند اما این روند در جبهه انقلاب متفاوت است. به نظر من تربیت نیرو در این جبهه برعهده نهادهای رسانه‌های انقلابی است. البته یکی از مسائل مهم در این زمینه نیز عدم اهمیت دادن به فریدت در رسانه‌های انقلاب است. من نخستین نفری بودم که پس از مه‌نامه‌های فراوان در کیهان توانستم عکس خودم را به عنوان نویسنده مطلب درج کنم. اگر ما به این فریدت اهمیت ندهیم، و با آن مقابله کنیم نتایج خوبی را مشاهده نخواهیم کرد. ما نیز به همین ساختار بودیم و به همین علت خیلی امکان بروز و ظهور نداشتیم. ما بارها می‌گفتمیم چرا مثلاً مجله فیلم نمایش ماهانه داشته باشد، سفارت روسیه داشته باشد، فرانسه داشته باشد اما بچه‌های حزب‌اللهی نمایش ماهانه فیلم و نقد و بررسی می‌کنند. آن را نداشته باشند؟ هنوز هم همین را می‌گوییم و هنوز هم همین جلسات بین حزب‌اللهی‌ها به صورت مداوم برگزار می‌شود. وجود ندارد. بر گزارى یک محفل سینمایی اندامدار بیش از هزینه یک تله‌فیلم خرج ندارد اما تاثیرات آن می‌تواند به مراتب از ساختن یک تله‌فیلم بیشتر باشد. تجربه پاتوق هم یکی از تجربیات موفق در جهان و ایران بوده ولی ما هنوز یک پاتوق جدی برای بحث و تبادل نظر بین رفقای هم‌طیف و هم‌فکر نداریم. پاتوقی که در آن هم کتاب‌خوانی رایج باشد، هم بحث و تبادل نظر شود و هم در آن کار خبری انجام دهیم. عمده پاتوق‌هایی که ما برای این اهداف ترسیم کردیم کاربرد تجاری پیدا کردند و از هدف اولیه خودشان خارج شده‌اند. ما باید به فکر یک محفل جدی برای گد و تجمع باشیم. تشکل‌ها هم نتوانستند به این وظیفه خودشان عمل کنند. البته اگر بتوانیم یک چنین محفلی را برای دغدغه‌مندان فرهنگی در جبهه حزب‌الله ایجاد کنیم آن وقت می‌توان به بسیاری از امور دیگر نیز جامعه عمل پوشاند.

ایلی: یک بحث مهم در میان بحث‌های آقای فهیم اشاره به نقش سفارتخانه‌ها در ایجاد محافل و پاتوق روشنفکران است. ما در سال‌های اخیر در حال پیگیری مداوم بحث «سینمای سفارتی» و نقش سرمایه‌های خارجی در ساخته شدن آثار جشنواره‌ای داخلی هستیم. اما ظاهراً حضور جدی سفارتخانه‌ها در عقبه و پشتوانه روشنفکران بحثی قدیمی و ریشه‌دار است... فهمیم: بله! از همان دهه ۷۰ یکی از مراکز اصلی پخش فیلم و جلسات نقد و بررسی، محافل و پاتوق‌های ثابت فرهنگی بویژه سینمایی سفارت‌ها بودند. در این‌سو هم ما انتظار داشتیم نهادهای منسب به انقلاب بار تشکیل این محافل را به دوش بکشند اما خب هیچ‌گاه چنین اتفاقی نیفتاد. ایلی: به نظر من این یکی از وظایف اصلی «مجمع منتقدان و نویسندگان» سینمای انقلاب است. یزدی: بله! قطعاً سال ۸۸ هم در این بین نقش اساسی داشت. ظهور و بروز جریان فرهنگی انقلاب به‌طور پاتوق‌هایی برنامه داشت.



ایلی: این تقابل گفتمانی از ابتدای انقلاب وجود داشته و مثلاً خط جریانی که ما آن را با آوینی می‌شناسیم در نقطه مقابل جریان روشنفکری و رسانه اصلی آن یعنی مجله فیلم قرار داشت. این تقابل هم در فیلم‌های مورد حمایت سینمای جهان و هم در فیلمسازان ایرانی کاملاً قابل مشاهده است

خبر ورود نیروهای جوان جبهه

انقلاب در حوزه نقد از چه زمانی و چگونه آغاز شد؟

یزدی: بعد از دوم خرداد بود که حزب‌اللهی‌ها به چارماندیشی افتادند. در آن دوران من خبرنگار مجلس بودم. ایام مجلس ششم، آن موقع مثلاً خبرنگار کیهان و رسالت در یک‌سو بودند و لشکری از طیف مقابل در سوی دیگر. بنابراین اصلاً قطب‌بندی اصولگرا- اصلاح‌طلب یا انقلابی- روشنفکر در این رویارویی معنا پیدا نمی‌کرد. تازه این وضعیت حوزه سیاسی بود، در حوزه فرهنگی نیز تقریباً نیروی خاصی از جبهه انقلاب نداشتیم. طیف روبرو عقبه روشنفکری بسیار قوی داشت و همواره گدها و تربیت نیروی آنها برقرار بود اما در این‌سو تقریباً هیچ چیزی نداشتیم و به تدریج برخی افراد خالصانه وارد میدان شدند و سعی در تغییر این موازنه داشتند. اینکه می‌گوییم خالصانه از این جهت است که چون کار فرهنگی زودبازده نیست، خیلی‌ها میل ورود به آن را نداشتند. دکتر شاه‌سینی صحبت خوبی دارند، ایشان می‌گفتند ما ۳۰ سال است که داریم کار اورژانسی می‌کنیم، من دیگر کار اورژانسی نمی‌کنم. می‌ایستم یکجا و برای ۱۰ سال بعد تلاش می‌کنم. اینکه نیروهای حزب‌اللهی به این نتیجه رسیدند که از کار اورژانسی فاصله بگیرند خودش زمان بسیاری برد و واقعا انسان‌های فداکاری ایستادند و ایسن کار را ادامه دادند، زیرا تربیت نیرو نام و نشان ندارد و فقط زحمت دارد. ما به تدریج داریم محصول آن زحمات را می‌بینیم. رسانه‌های حزب‌اللهی بویژه در حوزه سینما و ادبیات و سپس کتاب رشد زیادی داشتند و حرف‌های‌شان شنیده می‌شود و تاثیرگذار است.

ایلی: در این روند که دوستان از دوم خرداد روایت کردند، به نظر می‌آید نقطه عطف اصلی نیز سال ۸۸ است... یزدی: بله! قطعاً سال ۸۸ هم در این بین نقش اساسی داشت. ظهور و بروز جریان فرهنگی انقلاب به‌طور پاتوق‌هایی برنامه داشت.



یزدی: رسانه باعث شده تا سینما برای مخاطب تبدیل به مساله شود. اگر چه بسیاری از مدیران دلایل مختلفی را برای رشد سینما در دوره خود بیان می‌کنند اما به نظر من رشد سینما در سال‌های اخیر مدیون رسانه و پرداختن آن به سینماست. سینما در حال حاضر یکی از موضوعات اصلی رسانه‌های ما، اعم از نشریات مکتوب، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است

رویدادها

معرفی مشهادر ضاع) به عنوان

پاینتخت فرهنگی جهان اسلام روز گذشته مشهادر ضاع) به عنوان «پاینتخت فرهنگی جهان اسلام» معرفی شد. به گزارش تسنیم، مراسم رسمی «مشهد؛ پاینتخت فرهنگی جهان اسلام» دویروز با حضور ۲۵۰ شخصیت فرهنگی و سیاسی از ۵۱ کشور جهان اسلام و مسؤولان کشوری در تالار قدس حرم مطهر امام رضاع) در این شهر برگزار شد. پایه این گزارش، عنوان «پاینتخت فرهنگی جهان اسلام» با تصمیم آیسسکو (سازمان اسلامی، آموزشی، علمی و فرهنگی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی) برای یک دوره یک‌ساله برای مشهد مقدس در نظر گرفته شده است. مشهد مقدس دومین شهر ایران است که به این عنوان بین‌المللی دست یافته است. پیش از این در سال ۲۰۰۶ شهر اصفهان برای نخستین بار از ایران به عنوان پاینتخت فرهنگی جهان اسلام معرفی شد. یکی از حاشیه‌های مراسم معرفی مشهدمقدس به عنوان پاینتخت فرهنگی جهان اسلام، عدم حضور آیت‌الله علم‌الهدی و رئیسی روی سن مراسم بود. گفته می‌شود، حسین فریدون یکی از میهمانان روی سن بود.

حضور وزیر در جشن تولد

در روز عزای عمومی!

وزیر ارشاد در حالی به بهانه همدردی با حادثه‌دیدگان پلاسکو به مراسم اختتامیه سی‌ودومین جشنواره موسیقی فجر نیامد که فرهای همان روز به جشن سالروز تأسیس یکی از رسانه‌های دولتی رفته است. به گزارش تسنیم، وقتی وزیر ارشاد حاضر نشد در روز یکم بهمن ۱۳۹۵ به مراسم اختتامیه جشنواره موسیقی فجر بیاید، ظاهر مساله کاملاً توجیه‌پذیر است اما باید از او پرسید که چرا درست فردای همان روز یعنی شنبه دوم بهمن به جشن سالروز تأسیس یکی از رسانه‌های دولتی رفته است. جالب‌تر اینکه روز شنبه از سوی دولت برای همدردی با حادثه‌دیدگان پلاسکو عزای عمومی اعلام شده بود و وزیر ارشاد در همان روز به این مراسم رفته است. قبیل تامل آنکه شنبه دوم بهمن هنرمندان عرصه موسیقی تمام اجزای‌شان را لغو کرده بودند، اما وزیر ارشاد راه دیگری در پیش گرفت.

فرستاده؛ از کابل به کاخ سفید...

در بازار کتاب

«فرستاده» از کابل به کاخ سفید، سفر من در جهانی متلاطم» نوشته زلمی خلیل‌زاد با ترجمه مصطفی احمدی توسط انتشارات کوله‌پشتی منتشر شده. به گزارش تسنیم، انتشار این کتاب در دنیای غرب سر و صدای زیادی به پا کرد، چرا که خلیل‌زاد برای نخستین‌بار بخشی از روابط پشت پرده آمریکا در افغانستان و منطقه خاورمیانه را در قالب خاطرات خود روایت کرده است. فرستاده کابل به کاخ سفید، سفر پرمجاری زندگی خود را از افغانستان تا ایالات متحده آمریکا با تمرکز بر حوادث و جریان‌های سیاسی به تصویر می‌کشد. در این کتاب، او دیدگاه‌های خود و ابالات متحده را درباره منطقه خاورمیانه، بویژه افغانستان، عراق و حتی ایران بیان می‌کند؛ دیدگاهی که به هر حال ریشه در تربیت آمریکایی او دارد. خلیل‌زاد در مقام‌هایی چون فرستاده ویژه رئیس‌جمهوری آمریکا، سفیر آمریکا و نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل متحد خدمت کرد.

کانون نویسندگان زن مسلمان

تأسیس شد

سارا عرفانی از تأسیس «کانون بانوی فرهنگ؛ نویسندگان زن مسلمان» خبر داد. به گزارش مهر، نویسنده رمان «پنجشنبه فیروزهای» گفت: این گروه فرهنگی با همکاری و مساعدت فرهنگسرای انقلاب اسلامی در این محل شکل گرفته است و هدف از تأسیس آن هم افزایش و هم‌اندیشی در حوزه ادبیات داستانی است. وی افزود: در مرحله اول از فعالیت این کانون از تمام نویسندگان زن و نیز بانوان علاقه‌مند به نویسندگی برای حضور در این کانون دعوت می‌کنیم. برنامه‌های فعلی ما نیز در قالب نشست‌های بازخوانی یک کتاب و صحبت درباره آن در قالب یک نشست کارگاهی است.

فروشنده فرهادی نامزد اسکار شد

آکادمی اسکار روز گذشته برنامه اعلام اسامی نامزدهای هشتاد و نهمین دوره را برگزار کرد و فیلم «فروشنده» اصغر فرهادی در لیست نامزدهای دریافت این جایزه سینمایی قرار گرفت. به گزارش مهر به نقل از هالیوود ریپورتر، «فروشنده» از ایران، «تونی ارمان» از آلمان، «تنا» از استرالیا، «مردی به نام او» از سوئد، «سرزمین مین» از دانمارک نامزد شدند. بخش فیلم غیرانگلیسی زبان اسکار شدند هشتاد و نهمین دوره جوایز اسکار ۲۶ فوریه (بامداد دوشنبه ۹ اسفندماه) در دالئی تیه‌تر لس‌آنجلس برگزار می‌شود.